



شیرین حیات

ترجمہ می رباعیات خیام بہ زبان ترکی

دکتر یوسف معماری

سرشناسه

خیام، عمر بن ابراهیم، ۴۲۲-۹۵۱ق.
khayyam, omarebne ebrahim

عنوان قراردادی

رباعیات - فارسی - ترکی

عنوان و نام پدید آورنده:

شن حیات - ترجمه رباعیات عمر خیام به زبان ترکی (ترجمه) دکتر یوسف معماری

مشخصات نشر

آردبیل انتشارات مکارمی

مشخصات ظاهری

۱۶۵ صفحه مصور

شابک

۹۷۸-۶۰۰-۸۳۱۷۰۰۶-۷ : ۳۰۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی

فیبیا

یادداشت

فارسی - ترکی

عنوان دیگر

ترجمه رباعیات خیام به زبان ترکی

موضوع

شعر فارسی قرن ۵ ق

موضوع

persian poetry- 11th century

موضوع

شعر فارسی قرن ۵ ق - ترجمه شده به ترکی آذربایجانی

موضوع

persian poetry-11th century- translation into azerbaijani

موضوع

شعر ترکی آذربایجانی - ایران - قرن ۱۴ - ترجمه شده از فارسی

موضوع

azerbaijani poetry-iran-20th century-translations from persin

شماره

معماری، یوسف، ۱۳۲۰، مترجم

ردیف

PIR ۶۶۳۵ ی ۱۳۹۸۵

ردیف

۸۱۵/۱۳۲

شماره کتاب

۴۷، ۴۲

انتشارات مکارمی

شناسنامه کتاب:

نام کتاب: شن حیات - ترجمه ی رباعیات خیام - ترکی

مترجم: دکتر یوسف معماری

حروفچینی خط نستعلیق: رامین مردانه

طراح گرافیک: رحمان شاه محمد اردبیلی

ویراستار: علی مکارمی نیا

ناشر: آردبیل - انتشارات مکارمی

چاپ و صحافی: شیران نگار

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۹۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۱۷۰۰۶-۷

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

انتشارات مکارمی: آردبیل - عالی قاپو - خیابان سی متری - رویه روی هتل تگین - مجتمع تجاری خدماتی مهدیه واحد ۳۵

تلفن و نمابر: ۰۴۵-۲۳۳۳۰۳۹۳ همراهِ: ۰۹۱۴۴۵۲۴۳۴ دفتر تهران: ۰۲۱-۵۵۷۷۴۶۲۲ کد پستی: ۵۶۱۴۶۴۳۸۳۵

پست الکترونیک: makaremi.ali@gmail.com



مقدمه

حجة الحق امام غياث الدين ابوالفتح عمر بن ابراهيم خيامي بنا به قول مشهور در ۲۸ اردیبهشت ماه سال ۴۲۷ در نیشابور به دنیا آمد. او شاگرد ابوالعالی امام الحرمین جوینی دانشمند نامدار اشعری مذهب بود. هندسه و مجسطی را از ابوالحسن انباری آموخت و به خاطر استعداد ذاتی همه ی علوم معقول و منقول روزگار خود را فرا گرفت. در همان دوران جوانی رساله ی معروف خود را در جبر و متالیه با عنوان «رسالة فی براهین علی مسائل الجبر و المقابلة» به عربی نوشت. او در قرن قبل از نیوتن و پاسکال قاعده و دستوری را که امروزه با نام «مثلث پاسکال» و «دو جمله ای های نیوتن» نامیده می شوند کشف کرده بود. از سال ۴۶۶ به ری رساله ی حمایت ملکشاه سلجوقی و وزیر باتدبیر او خواجه نظام الملک توسی قرار داشت و از او مقرر دریافت می کرد.

خیام در سال ۴۶۷ در اصفهان رصدخانه ی بنا نهاد و با همکاری تعدادی از دانشمندان بنام عصر خویش به اصلاح تقویم پرداخت. گویا این کار پنج سال به طول انجامید و سرانجام در سال ۴۷۱ جری مویه جدید استخراج شد. این تقویم را به افتخار پادشاه حامی خویش، جلال الدین مانشاه به وقی، تقویم جلالی نامید که هنوز هم یکی از دقیق ترین گاه شمارهای موجود در جهان است.

خیام از سال ۴۷۲ به بعد بود که جهان فلسفی خویش را با ترجمه «مطبوعة قرای» ابن سینا آشکار کرد سپس رساله ی «الکون و التکلیف» و «الجواهر» و «مسائل» را در پاسخ به سؤالات یکی از شاگردان خویش، کتاب های «الضیاء فی» و «رسالة فی الوجود» را نوشت. اشتغال به فلسفه مخالفت اهل نظر را برانگیخت.

در سال ۴۸۵ او در حالی که حامیان خود را از دست داد بود رصدخانه ی اصفهان را رها کرد و به نیشابور بازگشت. پایبندی به اصول یونانیان در سیاست

و اعتقاد به حکومت داری به شیوه‌ی آنها به مخالفت با نظام سلطنتی تعبیر شد و همین باعث کدورت بین خیام و سلطان سنجر سلجوقی گردید. اشتغال به فلسفه و اعتقاد به نظام حکومتی یونانیان و دشمنی اهل ظاهر دست به دست هم داد و در اواخر عمر او را خانه نشین کرد اما هیچگاه از حشمت و احترام و اعتبار او در میان مردم و حتی مخالفان خود نکاست. «لقب حجة الحق» که همان لقب این سینا است برای خیام در مقابل «حجة الاسلام»؛ یعنی لقب غزالی موقعیت خیام را در عصر خویش نشان می‌دهد.

رباعیات خیام به سبب تحول خلجات ذهنی و اضطرابات فکری اوست و عمدتاً بیاناتی پارادوکسیکال است که برای متکلمان اشاعره مطرح شده است. این رباعیات امروز از مشهورترین قطعات ادبی جهان است. تا جایی که معروف است بعد از کتاب مقدس و آثار شمس الدین رومی، کتاب انگلیسی شمرده می‌شود.

استاد مجتبی مینوی می‌نویسد: «تاکنون هیچ‌یک از شعرا و نویسندگان و حکما و اهل سیاست این سرزمین به اندازه‌ی او در فحشای جهان شهرت عام نیافته‌اند. خیام تنها متفکر ایرانی است که زنده و زنده بود نام و گفته‌ی او در میان تمام ملل دنیا مسلم است نه تنها در پیش شرق شناسان و علما و ادبای مغرب زمین، بلکه در نزد عامه کسانی که با خواندن و نوشتن کاری دارند. سوف است و شاید بیش از يك نيمه از تمدن عرصه‌ی گیتی با نام او آشنا و رباعیاتی که حکیم اغلب از سر ذوق طبیعی می‌سروده است مقنون اند.»

در يك کلام باید گفت: خیام اهل تأمل بود و پیوسته در اسرار هستی و احوال وجود می‌اندیشید. پرداختن به ریاضی و نجوم او را از پرداختن به مهم‌ترین موضوع زندگی؛ یعنی هستی‌شناسی و مسئولیت انسان در برابر آن بی‌نیاز نمی‌کرد. سؤال بنیادی او بیش از دو مورد نبود؛ چه چیز را باید بداند؟ چه کاری را باید انجام بدهد؟ زندگی در نظر او نگرش و عمل بود. در بینش خیامی نگرش و عمل دو کفه‌ی يك ترازو است که، انسان باید در پشت این دو کفه بایستد و آن‌ها را

هماهنگ کد تا صدق و راستی مفهوم پیدا کند در نظر او آن چه این دو کفه را
 تاهماهنگ می کند کجروی و ریابکاری است. نمی توان به دلبستگی او به فلسفه
 یونان اشاره کرد اما از این سخن غافل بود که، او با فرهنگ کهن ایران و فلسفه
 عتیق آن پیوستگی عمیق داشت و از شجاعت اندیشیدن برخوردار بود.
 رنگار کج فهمی ظاهر اندیشان عالم نما بر چهره او سایه انداخت و حقیقت این
 شخصیت عالم و دانشمند مدت ها ناشناخته ماند همان شخصیت عالم و دانشمندی
 یکبار در مجادله با یکی از حاکمان عصر خویش خود را چنین توصیف کرد:
 «... ما عجبا! هزار سال آسمان و اختران را در مدار و سیر به شیب و بالا
 جا باید کشیم. تا از این آسیاب دانه ای درست چون عمر خیام بیرون افتد و از
 این هست سهراب بالا و مفت دبه سر نشیب یکی قافله سالار دانش چون من درآید...»
 و ما شاهدیم که هزار سال گذشته است اما دانغای چون او پدید نیامده است و
 از این آسیاب دانه نمانده و بیرون نیفتاده است.

خیام در ۱۲ محرم سال ۵۲۰ هـ قمری در نیشابور درگذشت. امام
 محمد بغدادی. داماد وی. مرگ او را چنین حکایت می کند: «... گفت مرا،
 که جماعت را بخوان تا وصیت کم چون اصحاب جمع شدند به شرایط وصیت قیام
 نمود و به نماز مشغول شد و از غیر اعراض کرد و روزی بر خاک نهاد و گفت:
 خدا یا به درستی که من به اندازی توانم تو را شناختن پس می بینم که معرفت
 من به تو، تنها وسیله ی آموزش من است به سوی تو و جای نیمه زد.» او را در
 نیشابور به خاک سپردند.

ترجمه های رباعیات خیام

رباعیات خیام با ترجمه نیکل جان پانتیست، ایران شناس و سیاستمدار فرسوی
 در محافل ادبی پاریس شناخته شد و از نیمه دوم قرن نوزدهم تا اواخر قرن بیستم
 میلادی بر همه محافل ادبی فرانسه سایه گسترد و تأثیرات عمیقی در ادبیات فرانسه
 برجای گذاشت. وی زمانی که در ایران با عنوان کسول فرانسه خدمت می کرد

عین رباعیات خیام را به فرانسه ترجمه و در سال ۱۸۶۷ میلادی در پاریس منتشر کرد. توفیل گوتیه نویسنده‌ی فرانسوی مقاله‌ای درباره‌ی این ترجمه نوشت و باعث شهرت خیام و مترجم آن در فرانسه شد. همین ترجمه بود که توجه ادوارد فیتز جرالده را مجدداً به ترجمه‌ای که خود از رباعیات خیام در سال ۱۸۵۸ کرده بود معطوف کرد و در چاپ بعدی که، در سال ۱۸۶۸ انجام گرفت به رفع اشتباهات خود پرداخت. نخستین ترجمه‌های رباعیات خیام از او شاعری قلندر ارائه می‌کرد که زبان اهل خرابات را برای بیان احوال عرفانی خود به‌کار می‌گرفت. البته این برداشت ناشی از ضعف شناخت مترجم آن فرهنگ و ادب ایرانی و زبان فخیم و استوار و اعتقادات عمیق و فلسفی خمسه می‌گرفت. توفیل گوتیه و ارنت رنان و حتی آندره ژید در رستگار شک کردند و به توجیه و تفسیرهای غرب از ترجمه‌ی رباعیات خیام پرداختند.

باید اذعان کرد ترجمه‌ای که خیام ۱۰۰ هجری کرد و موجب اشتهار او در کل اروپا و همه‌ی آمریکا شد ترجمه‌ای بود که ادوارد فیتز جرالده از رباعیات خیام انجام داد. وی شاعر و مترجم انگلیسی بود که در سال ۱۸۰۹ زاده شد. آشنایی فیتز جرالده با زبان و ادبیات فارسی به تشویق دوستش پرسور کارل استاد کرسی زبان سنسکرت دانشگاه کمبریج اتفاق افتاد و این زبان را به -عربی- که به فلسفه‌ی شرق داشت آموخت. در این مسیر وی با سلمان و ابسال جامی، اشعار حافظ آشنا شد و آرام آرام به زیبایی‌های ادبیات فارسی واقف گردید. در این زبان‌های سال ۱۸۵۶ کارل انگلستان را به قصد تدریس تاریخ در دانشگاه کلکته برگزید. هنگام وداع، نسخه‌ای از قدیمی‌ترین نسخه‌های رباعیات خیام را در اروپا که متعلق به ویلیام اوزلی خاورشناس انگلیسی بود به فیتز هدیه کرد این نسخه ۱۵۸ رباعی داشت که در سال ۸۶۵ هجری قمری با خط سید محمود خوشنویس کاتب شده بود. علاقه‌ی فیتز به این کتاب از همان زمان فزونی گرفت و تا پایان عمر او ادامه داشت. ترجمه‌ی اول رباعیات خیام در سال ۱۸۵۸ به پایان رسید و با هزینه‌ی شخصی

ادوارد فیتز چاپ شد. در ابتدا هیچ يك از دانشمندان و نویسندگان انگلیسی به ترجمه رباعیات خیام اهمیتی ندادند تا این که تعدادی از هنرمندان و نویسندگان انگلیسی همچون داتسه، گابریل استی، سوینبرن و لرد هوتن زبان به تحسین ظرایف سخن خیام و خدماتی را که ادوارد فیتز جرالد انجام داده بود پرداختند و ظرف چند ماه تیراژ آن به میلیون ها جلد رسید و در اروپا و آمریکا هیاهو به پا کرد. از آن دوره به بعد این اثر ارزشمند به بسیاری از زبان های زنده دنیا ترجمه شد. معنی رباعیات خیام به زبان ترکی آذربایجانی هم در اوایل دهه ی پنجاه با همت دکتر یوسف معماری انجام گرفت. در این ترجمه ها آنچه توجه مخاطب را جلب می کرد، درك و اساس عمیق مترجم نسبت به کلمات و معنای رباعیات خیام است او خود، معنای بسیاری از کلمات را به کرانه های افق معنی و مفهوم اشعار نزدیک شود و تا جایی که امکان دارد ترجمه را از زبان و ترکیبات راهم حفظ کند اما باید توجه کرد که حفظ معنای و سبک از زبان و ترکیبات که با کلمات محدود و موجز بیان شده است بسیار دشوار و گاه غیر ممکن است، در چنین مواردی چاره ای نیست جز آن که مترجم در برخی از موارد تسلیم است معنی توجه کند و گاه به تعبیر ادوارد فیتز جرالد شعر اصلی را در هم گرفته و يك یا عی مستقل اما با همان مفهوم خلق کند.

معماری در ترجمه های خویش تلاش می کند تا احساس و عافیه شاعر در هر دو محور عمودی و افقی همسان و همساز با ابیات دیگر باشد و حتی به هماهنگی آواها و هم طرازی واج ها و حرف ها و صلابت واژگان و معیبرات هم توجه می کند. در ترجمه های او يك دست بودن زبان کاملاً مشهود است. از همه ترجمه های ترکی رباعیات خیام را دوست داشتمی تر می کند انتخاب واژگان و تعبیرات ساده و صمیمی است که آن را باید در روان شناسی شخصیتی مترجم جست و جو کرد. دکتر یوسف معماری در سال ۱۳۲۰ خورشیدی در محله ی پیر عبدالملك اردبیل به دنیا آمد. دوره ی ابتدایی را در دبستان سنایی و متوسطه را

در دبیرستان صفوی به پایان برد سپس با درجه‌ی دکترای پزشکی از دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و در چشم پزشکی تخصص گرفت و به زادگاه خود بازگشت تا آلام درماندگان و نیازمندان را التیام بخشد. او سال‌ها با اخلاص و ایمان به طبابت پرداخت. مطب او پناهگاه بیچارگانی بود که از شدت درد و فقر آرزوی مرگ می‌کردند. او به رایگان درماندگان را معاینه و جراحی می‌کرد. معماری علاوه از پزشکی در حوزه‌های مختلف فرهنگی - هنری نیز صاحب نام است. «کزالیکا» در سوگ سالار شهیدان و «خاطرات بگشت» ترجمه‌ی اشعار خیام و تعدادی از دوبیتی‌های باباطاهر و غزلیات حافظ از آثار اوست.

علی مکارمی‌نیا

خرداد ۱۳۹۶